

ایران (۱)

بقلم : ان - ك • س • لهپتون (۲)

نقل از مجله انجمن سلطنتی آسیای مرکزی (۳)

چاپ لندن (شماره ژانویه ۱۹۴۴ م ۰)

-۱-

بنده با قدری تردید دعوت انجمن سلطنتی آسیای مرکزی را برای سخنرانی امشب قبول کردم زیرا تصور نمیکنم که بتوانم مطالب زیادی که در خور توجه يك چنین انجمنی باشد بعرض برسانم • تردید مذکور از دولحاظ روی داد یکی اینکه هر گاه بخواهم موضوع سخنرانی خود را از نقطه نظر يك خاور شناس بحث نمایم چنین بنظر میرسد که برای شخصی که هنوز مراحل مقدماتی مطالعات خود را راجع بخاور زمین طی میکند خود نمائی در مقابل يك چنین جمعی نشانه ادعای زیاد میباشد بنابراین هر گونه نظریه احتمالی که راجع بموضوع بدهم بایستی آنرا باقید احتیاط بعرض مستمعین خود برسانم از طرف دیگر هر گاه بخواهم اوضاع فعلی ایران را بیان نمایم مسلماً در اینجا عده کثیری هستند که اطلاعاتشان راجع بایران زیادتر از بنده بوده و نسبت بمسائلی که برای آن کشور یش آمده است بیشتر وارد میباشد بنا بر این مقدمه امیدوارم که شنوندگان محترم در مورد مطالبی که بنظرشان سطحی میرسد از اغماض خود داری نخواهند فرمود اکنون میخواهم وضع امروزی ایران را از پاره ای جهات با ذکر موجبات آن بعرض برسانم •

پروفیسور برون در جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران اهمیت طلوع سلطنت صفویه را در اوایل قرن شانزدهم میلادی در تاریخ ایران بحث نموده و چنین مینویسد که طلوع سلطنت صفویه نه فقط پس از هشت قرن و نیم فترت باعث تشدید مبانی امپراطوری ایران و احیاء ملیت در آن سامان گردید بلکه ایران را در سلسله مودت ملل دیگر داخل و باب روابط سیاسی آن کشور را با سایر ممالک باز نمود بطوریکه هنوز آثار آن تا حدی بر قرار میباشد تحقیق در باب اینکه آیا تشکیل سلطنت صفویه همانطوریکه پروفیسور برون بیان نموده حقیقه باعث اعاده امپراطوری و احیاء ملیت ایران گردیده است از موضوع بحث ما خارج میباشد ولی هیچ جای تردید نیست که با تشکیل سلطنت صفویه دوره ای در تاریخ ایران آغاز گردیده که متمایز از دوره ما قبل آن میباشد و نیز مسلم است که با ظهور ایران در اوایل قرن ۱۶ بعنوان يك «اتاناسیونال» (این کلمه باصطلاح باخترزمینی ها بکشوری اطلاق میشود که دارای استقلال - مرکزیت و وحدت قومی باشد) زمینه تمایلات سیاسی در آن کشور بتدریج تا اندازه ای با تمایلات سیاسی کشورهای باختر

(۱) کنفرانسی است که تحت این عنوان در اجتماع مشترك «انجمن سلطنتی

آسیای مرکزی» Royal Central Asian Society و «انجمن ایران»

Iran Society زیر ریاست تاریخ نویس مشهور انگلیسی درباره ایران

جنرال سر پرسی سیکس Sir Percy Sykes در لندن داده شده.

Royal Central Asian Journal. (۳) Ann. K. S. Lambton. (۲)

بطور تصادف و مستقلا شروع به هم آهنگی مینموده تا آن زمان ایران قسمتی از جامعه بزرگی را تشکیل میداد که شامل منطقه ای بود و سیعتر از ایران امروزی در منطقه مذکور ابتدا در زمان هخامنشی ها و سپس بعد از خانه استیلای یونانیها در زمان خلفای بنی امیه و عباسی اختلاطی در فرهنگ های مختلف حاصل شد که محرک گردید مردمان این سامان از حیث فرهنگ و معنویات و حتی از حیث مادیات دارای مقامی رفیع باشند.

اتحاد سیاسی در منطقه مورد بحث در زمان خلفای امیه و عباسی امر گذرنده ای بود ولی اثر اجتماعی آن دوام بیشتری داشت بطوریکه پروفیسور توین بی شرح میدهد از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی از اندالوس (اسپانیا) تا ماوراء النهر یکنوع هم آهنگی در زندگی مردم وجود داشته که اثر آن در سرعت جریان عقاید و احساسات و همچنین از لحاظ سرعت نقل و انتقال اشخاص و اجناس بظهور میرسیده عامل محرک این امتزاج سیاسی و اتحاد اجتماعی که در اثر آن بوجود آمد مخصوصا در بین مردم ایران که در حیات جامعه مذکور سهم بر جسته ای را داشته اثرات فراوان بیار آورد تاثیر وجود ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی و احیای ادبیات فارسی در قرن دهم میلادی بقدری عیان است که محتاج به توضیح نیباشد فقط یاد آور میشود که این پیشرفت هادر زمانی حاصل شد که ایران جزو عالم اسلامی بوده و هنوز با اصطلاح ساختار زمینی هابشکل یک «اتاناسیونال» در نیامده بود. پس از تجزیه دولت بنی عباس و تقسیم آن بدو دسته اصلی (که پروفیسور توین بی آنها را دسته ایرانی و دسته عرب نامیده) ایران هنوز چندان تمایلی نداشت باینکه یک جامعه ملی مجزائی تشکیل بدهد و در جزو جامعه بزرگی باقی ماند که قلمرو آن از ماوراء النهر تا اناطولی کشیده شده و خراسان و آذربایجان را نیز در بر داشت ظهور ایران بشکل یک اتاناسیونال هنگامی صورت گرفت که دولت صفویه موفق گردید خلاه سیاسی و اجتماعی را که در اثر جهانگشائی تیمور در مغرب ایران ایجاد شده بود بر نماید و متعاقب آن هم در قرن ۱۶ کشمکش بین دولت صفویه روی داد این کشمکش نتایج مهمی داشت که پروفیسور توین بی آنرا در ضمیمه جلد یکم کتابی که بنام «مطالعه تاریخ» تالیف نموده اجمالا بیان کرده است. اولاً جامعه ای که سر زمین ایران هم جزو آن بود به سه قسمت تقسیم گردیده قسمت اول شامل ماوراء النهر و قسمت هائی از هند که جزو این جامعه بود - قسمت دوم شامل ایران خاص - و قسمت سوم شامل سایر اراضی که در اثر فتح کشور های مسیحیان از تودوکس (از طرف ترکها) باین جامعه ملحق شده بود. نایباً مناسبات بین سنی و شیعه بیش از حد تصور تغییر نمود و این دو فرقه که سابقاً باهم زندگی میکردند و از لحاظ جغرافیائی هم مخلوط شده بودند اکنون از لحاظ جغرافیائی ازهم جدا گشتند «این شقاق از لحاظ اخلاق و مذهب و همچنین از لحاظ سیاسی

کلیه تار و پودی را که در سابق نسج اجتماعی جامعه مزبور را بهم پیوسته بود از یکدیگر گسیخت و این تفرقه روح را از بیکر تمدن آن جامعه گرفته پیشرفت آنرا بکلی متوقف ساخت بطوریکه برفسور توین بی شرح میدهد امپراطوری متشکل بوسیله شاه اسمعیل طبق آرزوهای جاه طلبانه و قصد موسس آن پیشرفت نکرد و بنظر بنده شاید همین عدم موفقیت شاه اسمعیل در اینصورت یک امپراطوری عالمگیری در تحت اوای تشیع تشکیل دهد باعث گردید که دولت صفویه اتباع خود را از لحاظ مادی و معنوی از آمیزش با کشورهای همسایه که دارای مذهب تسنن بودند دور نگاهدارد و بدین ترتیب ایران بصورت یک «اتا ناسیونال» درآمد تشیع مذهب ملی ایران شد و این مذهب ملی باعث قوام حس ملیت در امور دنیوی و سیاسی گردید.

از اینکه ایران هنگامیکه بصورت یک حکومت ملی ظهور کرد در واقع پشت برگزشته خود نمود چنین متصور است که در مشخصات اجتماعی موروثی ایرانی تاحدی پراکندگی حاصل نشده است بهر حال از این تاریخ ایران بایستی از عوامل محرکه ای که در اثر آمیزش نزدیک با ملل دیگر بوجود میامد و در گذشته برای ایران بسیار مفید واقع میگشت تاحد زیادی محروم باشد. البته بدون انقلاب روحی یک چنین تغییری در اساس زندگی ایرانی با موفقیت صورت نمیگرفت. ایرات در واقع از جریان اصلی جامعه اسلامی کناره کرد و بنابراین بایستی یا بشکل یک واحد ملی و بحالت انفرادی باقی بماند و یا در جستجوی قوه محرکه دیگری باشد که در یک جامعه بزرگ دیگری منحل گردد.

اما چون ایران در یک نقطه در دست و فراموش شده ای قرار نگرفته بود شق اول بطور کلی عملی نبود و چون جامعه مغرب زمین رفته رفته نفوذ خود را بسط داد معلوم شد که مقدر این است که ایران دیر یا زود بعنوان یک «اتاناسیونال» بجامعه مذکور ملحق گردد هر چه تماس با مغرب زمین رو ب توسعه نهاد لزوم یک انقلاب فکری در عالم سیاست و اجتماع بیشتر محسوس گردید. بنظر بنده تعقیب این انقلاب فکری و رساندن آن ب نتیجه مطلوبه یکی از مسائلی است که ایران امروزی با آن مواجه میباشد.

تماس ملل مغرب با ایران از قرن شانزدهم میلادی بیحد اهمیتش روز افزون شد و اثر آن از دو طریق مهم محسوس گردید اول دولت ایران از لحاظ سیاسی درک نمود که با اتخاذ رویه فنی مغرب زمین وسیله ای برای شکست رقیبان بدست میآورد و در اثر اتحاد با کشورهای باختر در مقابل اقتدار همسایگان تقویت میگردد ثانیاً طبقه روشنفکر متوجه شد که اتخاذ رویه فنی و نظاری مغرب زمینیها ترقی و اصلاحات و همچنین اسایش بیشتری را در زندگانی نوید میدهد. در زمان صفویه تماس با مغرب زمین بیشتر از نوع اول بود مثلاً شاه عباس در تجدید سازمان ارتش خود از کمک برادران شرقی که لااقل یک نفر متخصص توپ سازی با خود بدربار ایران آورده بودند استفاده نمود تا آن زمان ارتش ایران توپخانه نداشت و این موضوع در جنگ با ترکها باعث برتری هر یک میگردد با کمک برادران شرقی

این نغمه مرتفع گردید در کتاب «زوار» تالیف پورچاس نتایج این امر چنین بیان شده است «دوات مقتدر عثمانی که باعث وحشت عالم مسیحیت بود از توپ شرلی بی تاب گشته و امید میرود که عنقریب از پای در آید ایرانی فن جنگی شرلی را آموخت و مردمی که در گذشته مورد استعمال توپخانه را نمیدانستند اکنون دارای ۵۰۰ توپ و ۶۰۰۰۰ تفنگچی شده و همانطوریکه قبلاً در جنگ باشمیر دشمن خطرناکی برای ترکها بودند اکنون هم در وارد آوردن ضربت های توپخانه و در فنون اسلحه باروتی سهمگین گردیده اند» .

از زمان صفویه بیعد تماس ایرانی با مغرب زمین زیادتر شد و عده زیادی از سیاحان بازرگانان و جنگجویان کام طلب بدر بار صفویه بار یافتند. در قرن هفدهم خلیج فارس ابتدا میدان رقابت انگلیس و پرتغال و بعد هم عرصه رقابت انگلیس و هلند گردید و این رقابت تا قرن هجدهم که نوزدهم هلند از خلیج فارس رخت بر بست همچنان ادامه داشت در قرن هجدهم اقتدار روز افزون روسیه در زمان بطر کبیر برای ایران خطر جدیدی تولید نمود اوایل قرن مذکور مصادف گردید با کشمکش های سه جانبه ای بین دولتهای روس و عثمانی و ایران و انقراض سلطنت صفویه و تصرف قسمتهائی از خاک ایران بدست دولتین روس و عثمانی در اثر این وقایع برتری فنون نظامی مغرب زمین مسلم گردید و علاوه دولت ایران دریافت که اتحاد با کشورهای اروپائی موقتاً منافی را در بر دارد . در قرن نوزدهم منافع کشورهای اروپائی در ایران از لحاظ سیاسی عامل مهم اوضاع گردید مداخلات سیاسی روس - انگلیس - فرانسه - ترکیه و افغانستان و رقابت بین انگلیس و فرانسه - روسیه و عثمانی - و بالاخره بین روس و انگلیس يك وضع پیچیده ای را ایجاد نمود که از شرح آن در این جا صرف نظر میشود باید دانست که عهد نامه های گلستان و ترکمن چای بدولت ایران بخوبی آموخت که برای تقویت خود در مقابل حملات همسایگان و برای اجتناب از استشار شدن بدست دول اروپائی اتخاذ فنون نظامی مغرب زمین امری بس ضروری میباشد بموجب عهدنامه های مذکور که اولی در ۱۸۲۶ (۱) و درمی در سال ۱۸۲۸ میلادی پس از جنگهای مصیبت انگیزی منعقد گردید دولت روس کلیه اراضی ایران را که در مغرب رودارس واقع بود متصرف شد و ضمناً هم برای خود در ایران امتیازات برون مرزی بدست آورد.

(۱) معاهده گلستان در سال ۱۸۱۳ مسیحی منعقد گردیده نه در سال ۱۸۲۶ بخوبی که در مجله لندن بطبع رسیده است ، ولی ما در متن ترجمه عیناً با همان اشتباه که البته قلمی میباشد نقل نمودیم و لزوماً در باین صفحه اشاره میکنیم .
(آینده)